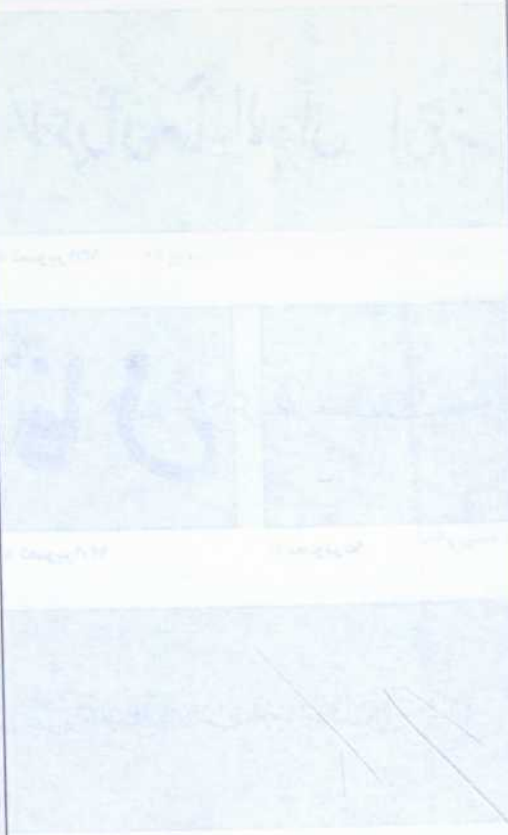




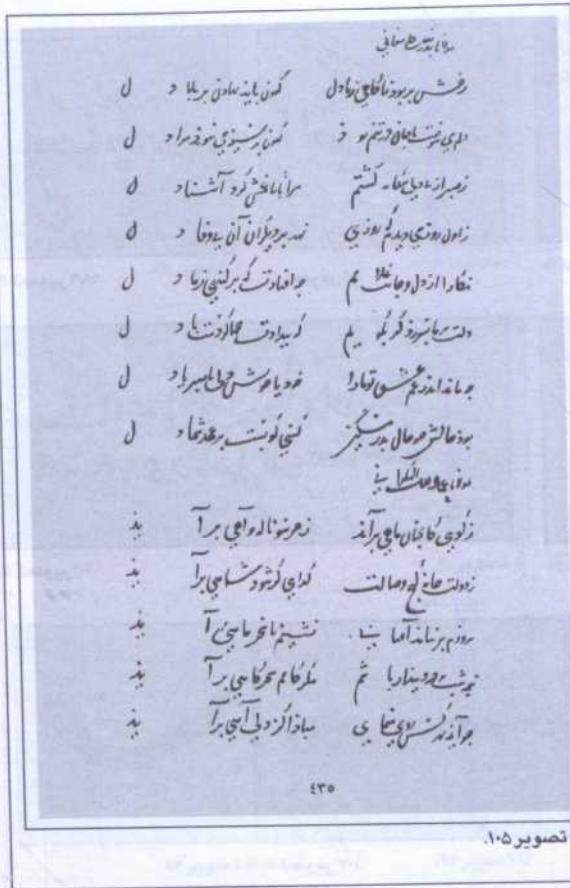
نزد شاهان زمین تا آسمان جاه بود
 دین سعادتها ز قبض آسمان داشتم
 در جهان دانش بیشتر نبود ۵۴
 منصب شاه و پادشاه مرمان داشتم
 نوع انسانهای کم مطلق نبود
 آن فراغت که اسیران جهان داشتم
 که ننگ دشمن شدی هر دست کسی گدای
 در جهان بر غم پای من تا دمان داشتم
 کج نشستم راست کرم در غم احوال خویش
 هر چه داشتم همه حساب المان داشتم
 امن نان نینم همان اسباب غنیمت
 حاصلی کاز وقت از نهاد جهان داشتم
 داشتم نقد جواز قدر آن نشناختم
 من در آنم که کج شاکه داشتم
 که بنیاد تلف کرم مرا معذور جان
 ۸۴

تصویر ۱۰۴



روایتی است
 در شش برده ناطق ز ناول
 که در بینه ملان بر باد ل
 دمی فرستادند در تنم بود
 که در بینه نوری نوزاد ل
 ز بر از بدین کار گشتم
 مرا با خن کرد آشناد ل
 ز اول در تنی بودم بونوی
 نه بر بکران آن بی دفا ل
 نفا را از دل و جانم
 بر انداخت که بر تنی آید ل
 دولت بر بینه کردیم
 که بدست کار دست ل
 بر ما اندر هم شوق تو را
 خود یا بر شوق ما بر باد ل
 بر ما اثر حال بر بینه
 گنجی بودت بر حد شاد ل
 در آن چو کلاه است
 ز لوی جانان ماچ بر آید
 ز غمنا دوری بر آید
 ز دولت طایع بود ما ل
 که در کشت و شای بر آید
 روزی بر نامه اما بینا
 نشینم با تو ماچ بر آید
 نوبت بر دستار شام
 که کام حکماچ بر آید
 بر آید بر دست بی خای
 سباز از دیلی ماچ بر آید

تصویر ۱۰۵



محققان تاریخ ایران دوره قرون وسطی به اهمیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاریخ و صاف در تحقیقات خود به خوبی واقف اند، و بی تردید اذعان دارند که استفاده از این منبع تاریخی ارزشمند تا چه اندازه دشوار است، زیرا و صاف این اثر را به زبانی متکلفانه و آمیخته با تعابیر شاعرانه نگاشته و با حکایات و اشعار عربی و فارسی آراسته و آن چنان نثر خاصی را در آن به کار برده است که گرچه بسیاری از مؤلفان بعدی سعی در تقلید از شیوه او داشته اند، هیچ یک توفیق برابری با او را به دست نیاورده اند. با این ویژگی ها تأثیر این اثر در مؤلفان پس از او بسیار عمیق بوده است.^۱

۱. و صاف و اثر او

شرف الدین (و یا شهاب الدین)^۲ عبدالله بن عزالدین فضل الله یزدی (کاتب شیرازی)، ملقب به «وصاف و الحضره»، لقبی که سلطان اولجایتو به او داده بود، و مشهور به «وصاف»، صورت کوتاه شده این لقب، در ۶۶۳ هـ. در شیراز به دنیا آمد.^۳ پدرش، فضل الله، از عوامل

^۱ عثمان غازی اوزگودنلی، عبدالقادر اردوغان، «ملاحظات درباره نسخه های خطی فارسی موجود در کتابخانه های استانبول»، از مغان پروفیسور دکتر نجات گویوش (در حال نشر). برای شرح های بسیار متعدد تاریخ و صاف به زبان عثمانی، نک.

Erdogan Merçil, "Vassâf", *IA*, XIII, P. 233.

^۲ خواندمیر، حبیب السیر، چاپ محمد دبیر سیاقی، (تهران، ۱۳۶۲)، ۳: ۱۹۷.

^۳ برای زندگی و آثار او نک.

C.A. Storey, *Persian Literature, A Bio-bibliographical Survey*, I/1, London 1970² [= Storey], p. 267-270; Yu. E. Bregel, *Persidskaya Literatura, Bio-bibliografi českij Obzor*, II, (Moskva, 1972) [= Storey/ Bregel], p. 769-775; Ramazan Şeşen, *Müslümanlarda Tarih-Coğrafya Yazıcılığı*, (İstanbul, 1998), p. 238-239;

نسخه ای از تاریخ و صاف به خط مؤلف و مهر کتابخانه ربع رشیدی

عثمان غازی اوزگودنلی*

مترجم: حجّت فخری

چکیده: تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار معروف به «تاریخ و صاف» اثر شرف الدین عبدالله بن عزالدین فضل الله یزدی (وصاف شیرازی) (۶۶۳-۷۲۹ هـ.) از جمله منابع دوره ایلخانی تاریخ ایران است که حوادث سال های ۶۵۶ تا ۷۲۸ هـ. را دربر می گیرد و برای تحقیقات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اداری و اقتصادی دوره ایلخانی حائز اهمیت است. همچنین این اثر به زبانی مصنوع و متکلفانه نگاشته شده که در تاریخ نثر فارسی بی نظیر است، و به همین دلیل تاکنون فعالیت های بسیاری در جهت تحریر آن به زبان ساده و تهیه خلاصه ها و شرح هایی برای آن انجام شده است، اما هنوز جای یک بررسی و تحقیق علمی درباره این اثر خالی است.

در این مقاله، مؤلف پس از توضیحاتی درباره و صاف و اثر او، به معرفی نسخه ای از جلد چهارم این اثر که به خط مؤلف به تاریخ شعبان ۷۱۱ هـ. است و در کتابخانه نور عثمانیه استانبول نگهداری می شود می پردازد. مؤلف در بررسی ویژگی های نسخه شناسی این اثر به وجود مهری سیاه و مستطیل شکل با خط کوفی و نقش «وقف کتابخانه رشیدی» بر روی ده برگ از این نسخه اشاره می کند که نشان می دهد این نسخه وقف کتابخانه ربع رشیدی بوده و تا پیش از قتل خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (و غارت) ربع رشیدی در آنجا نگهداری می شده است.

مقایسه این نسخه با دیگر نسخه های موجود از تاریخ و صاف و نسخه چاپی همیشه نشان می دهد که مؤلف پس از اتمام اثر به تصحیح آن پرداخته و تغییراتی در آن ایجاد کرده است. همچنین از طریق این نسخه اصل می توان به برخی اشتباهات کاتبان این اثر در دوره های بعدی دست یافت و از آنجا که این نسخه به خط یک کاتب دوره ایلخانی است از نظر شیوه نگارش و دستیابی به صورت نوشتاری بسیاری از واژگان و اصطلاحات ترکی و مغولی به کار رفته در آن و تلفظ بسیاری از اسامی و عناوین خاص که در متن اعراب گذاری شده اند و نیز شیوه نگارش سیاق در قرن هشتم و حواشی نسخه که برخی از آنها افزوده های مؤلف است اهمیت بسیار دارد.

کلید واژه: تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار؛ ربع رشیدی؛ مهرها؛ نسخه اصل؛ و صاف الحضره، عبدالله بن فضل الله، ۶۶۳-۷۲۳ هـ.

* Osman G. Özgüdenli, استادیار مؤسسه پژوهش های ترکی

دانشگاه مرمره (استانبول).

✓ این مقاله را مؤلف به درخواست «نامه بهارستان» به زبان ترکی استانبولی نوشته است.

بین، غازان خان از دنیا رفت و وصاف نُه سال پس از آن تاریخ و باز به کمک رشیدالدین وزیر امکان یافت که در ۲۴ محرم ۷۱۲ هـ. در شهر سلطانیه با سلطان اولجایتو ملاقات کند و جلد چهارم اثرش را به وی تقدیم نماید.^۷ پس از آن اولجایتو نیز از دنیا رفت. وصاف که ظاهراً در ۷۳۰ هـ. درگذشته است^۸، جلد پنجم اثر خود را تنها دو سال پیش از فوتش در ۷۲۸ هـ. به اتمام رساند.

وصاف اثر خود را به قصد نوشتن ذیلی بر تاریخ جهانگشای جوینی، درباره دولت‌مردان ایلخانی، نگاشت. بنابراین با بیان حوادث سال ۶۵۶ هـ.، یعنی سالی که جوینی تاریخ خود را به پایان برده است، آغاز می‌کند و با بیان تاریخ مربوط به خوارزمشاهیان، مغولان و اسماعیلیان ادامه می‌دهد و در جای جای اثر خود از جهانگشای جوینی بهره بسیار می‌برد. وی در جلد اول این اثر پنج جلدی به مرگ منگوقاآن، فعالیت‌های قوبیلای و تیمورقاآن در چین، تصرف بغداد به دست هولاکو و حکومت آباقا و احمد تکودار، در جلد دوم به اتابکان سلغری، حکومت ارغون خان و اتابکی یوسف شاه و افراسیاب، در جلد سوم به حکومت گیخاتو و بایدو، حاکمان کرمان و دهلی و حکومت غازان خان تا پایان سال ۷۰۰ هـ.، در جلد چهارم به آخرین سال‌های حکومت غازان خان، جلوس سلطان اولجایتو، جانشینان تیمورقاآن و حکومت خوارزمشاهیان و اسماعیلیان،

دولت ایلخانان در منطقه فارس بود. پس از اتمام موفقیت آمیز تحصیلاتش به خواجه صدرالدین احمد زنجانی منتسب شد و در دیوان مشغول خدمت شد. آوی نگارش اثر پنج جلدی خود به نام تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار را که به نام «تاریخ و صاف» نیز معروف است در ۶۹۷ هـ. شروع کرد. پنج سال پس از آن، در روز دوشنبه سیزدهم رجب ۷۰۲ هـ. با مساعدت‌های وزرای ایلخانی، یعنی رشیدالدین فضل‌الله و سعدالدین ساوجی فرصت یافت تا سه جلد اول اثرش را پس از اتمام به غازان خان، که در همان اثنا برای سومین بار به سوریه لشکرکشی می‌کرد، تقدیم کند. در دیداری که در عانه^۵ در کنار رود فرات میسر شد، غازان خان از وزرایش شنید که تا آن زمان در دنیای عرب و عجم کتابی با چنان ویژگی‌هایی نوشته نشده است. و پس از بررسی کتاب از وصاف پرسش‌هایی کرد و سپس امر نمود، از جمله پادشاه‌های ویژه، به وی آلتون تمغا (=مهر طلا) بدهند. همچنین از وصاف خواست که تا بازگشت وی از جنگ در سنجار بماند و به نوشتن بقیة اثرش بپردازد، اما از آنجا که تألیف این اثر کار بسیار دشواری بود و زمان زیادی را می‌طلبید و وصاف برای تألیف بقیة اثرش نیاز به مراجعه به کتاب‌های بسیاری داشت و از سوی دیگر مدت زمانی طولانی از خانواده‌اش دور بود، توانست از غازان خان یک سال مهلت بگیرد.^۶ در این

۱. اوارد براون، از سعدی تاجامی، ترجمه علی اصغر حکمت، (تهران، ۱۳۳۹)، ص ۹۲-۹۴؛

V. Barthold, *Moğol İstilasına Kadar Türkistan*, haz. H. D. Yildiz, (Istanbul, 1981), p. 63-65; Bertold Spuler, *Die Mongolen in Iran*, (Leiden, 1985), p. 7-8; V.

عباس اقبال، تاریخ مغول، از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیمور، (تهران، ۱۳۶۴)، ص ۴۸۷؛

Jan Rypka, *History of Iranian Literature*, ed. K. Jahn, (Dordrecht, 1968), p. 314-315;

ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲/۳، (تهران، ۱۳۶۶)، ص ۱۲۵۹-۱۲۶۲؛ جلال‌الدین همایی، تاریخ ادبیات ایران، ناشر ماهدخت بانوهمایی، (تهران، ۱۳۷۵)، ص ۲۵۱-۲۵۲؛

M. Semseddin Günaltay *İstârn Tarihinin Kaynakları*, - *Tarih ve Müverrihler*, haz. Yüksel Kanar, (Istanbul, 1991), p. 301-302;

عبدالمحمد آیتی، «تاریخ و صاف»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، (تهران، ۱۳۸۰)، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، (تهران، ج ۲، ۱۳۶۳)، ص ۱؛ محمدتقی بهار، سبک‌شناسی، تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۳، (تهران، ۱۳۷۳)، ص ۹۹-۱۰۳؛

Erdogan Merçil, "Vassâf", *İA*, XIII, p. 232-234; İsmail Aka, "Vassaf", *Türk Ansiklopedisi*, XXXIII, (1984), p. 267; P. Jackson, "Wassâf", *EI*², XI, p. 174.

۲. نک. Erdogan Merçil, "Vassâf", *İA*, XIII, p. 232.

۳. شهری نیمه بزرگ در جزیره‌ای با همین نام در رود فرات است. این شهر در قرون وسطی به سبب درختان، میوه‌ها، گل‌ها و شرابش مشهور بوده است (نک. حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، چاپ گ. لسترنج (G. Le Strange) (لیدن، ۱۹۱۵)، ص ۲۰۹، ۲۵۴؛

Dorethea Krawulsky, *İrân - Das Reich der İlhan: eine topographisch-historische Studie*, (Wiesbaden, 1978), p. 461-462.

۴. تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار، کتابخانه نور عثمانیه، ش 3207 [=وصاف/نور عثمانیه]، برگ ۱۶ الف؛ تاریخ و صاف، ناشر محمد مهدی اصفهانی، (تهران، ۱۳۳۸) [=وصاف/بمبئی]، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ تحریر تاریخ و صاف، عبدالمحمد آیتی، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۲، ۱۳۷۲) [=وصاف/تحریر]، ص ۲۲۴.

۵. وصاف/بمبئی، ص ۵۴۴-۵۵۱؛ وصاف/تحریر، ص ۲۸۰-۲۸۶.

۶. تاریخ وفات او را، مرچیل ۷۳۵ هـ. قید کرده است. نک. Erdogan Merçil, "Vassâf", *İA*, XIII, p. 232.

در تاریخ نثر فارسی در ایران بی نظیر است، به گونه‌ای که شیوه او بر مؤلفان پس از وی تأثیری بسیار عمیق گذاشته است. وی در اثر خود علاوه بر آیات قرآنی و نقل حکایاتی پر اهمیت از ادبیات فارسی و عرب، از اشعار خود نیز استفاده کرده، و در نتیجه شیوه‌ای ابداع نموده که درک محتوای اثرش را بسیار دشوار کرده است.^{۱۰} همچنین استفاده بسیار وی از تعابیر و اصطلاحات عربی، فارسی، ترکی و مغولی در این اثر نثر تاریخ و صاف را پیچیده و دشوار کرده است.

علاقه و توجه زیاد مؤلفان بعدی به تاریخ و صاف از یک سو، و دشواری در درک مطالب آن به دلیل شیوه ویژه نگارش آن از سوی دیگر، موجب پدید آمدن فعالیت‌هایی در جهت ساده کردن نثر پر تکلف آن انجام شده است: سه قسمت این اثر در ۸۲۳ ه.، به امر معیث‌الدین ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ و حاکم شیراز، و به قلم حسین بن حسین انصاری (عطار) با نثری ساده خلاصه شده است.^{۱۱}

در قرن دهم هجری، خواندمیر (د. ۹۴۲ ه.) خلاصه‌ای از این اثر تهیه کرد.^{۱۲} در دوره‌های بعد نیز ساده کردن‌ها و شرح‌های دیگری از این اثر انجام شده^{۱۳}، از جمله شرح‌هایی به زبان ترکی.^{۱۴}

درباره تاریخ و صاف، که از زمان تألیف تا امروز، در سرزمین‌های مختلف شهرت بسزایی کسب کرده و تنها از نیمه‌های قرن سیزدهم هجری در بعضی از آثار معروف مطرح شده است^{۱۵}، هنوز یک بررسی و تحقیق علمی انجام نشده است.

و در پنجمین و آخرین جلد اثر نیز به عاقبت حکومت سلطان اولجایتو و تاریخ حکومت ابوسعیدخان و علاء‌الدین خلجی و جانشینان ایشان می‌پردازد و اثر خود را با بیان حوادث سال ۷۲۸ ه. به پایان می‌برد. تاریخ و صاف ضمناً از حیث بیان تاریخ ایلخانان و خان‌های معروف و تاریخ‌های محلی مناطقی مانند فارس، شبانکاره، کرمان و لرستان و نیز تواریخ ممالکی مانند هند، مصر و شام بسیار حائز اهمیت است.

وصاف در اثر خود نه تنها درباره حوادث دوره غازان خان در مرکز حکومت او، بلکه درباره اوضاع سیاسی، اداری و اقتصادی ایالت فارس در آن دوران نیز اطلاعات مهمی به دست می‌دهد.^{۱۶} همچنین وی درباره ایجاد برخی از اصلاحات، به ویژه چاپ اسکناس (چاو) و تقویم خانی و انعکاس آنها در ایالات ایلخانی، به ویژه در فارس، که رشیدالدین و بیشتر منابع ایلخانی در مورد آنها سکوت کرده‌اند، نیز اطلاعات پرازشی ارائه می‌کند. از آنجا که وصاف از جمله دولتمردان عالی‌رتبه دولت مرکزی ایلخانی نبود، این امکان را داشت که در مقایسه با وزیر ایلخانی، یعنی رشیدالدین، اوضاع و احوال و مشکلات مردم را بی‌طرفانه‌تر منعکس کند. از این رو، تاریخ و صاف چه از لحاظ بررسی اطلاعاتی که رشیدالدین ارائه کرده است و چه از لحاظ تکمیل نواقص آن، در تحقیقات مربوط به تاریخ ایلخانان دارای اهمیت بسیار زیادی است.

وصاف اثر خود را به زبانی مصنوع و متکلفانه نگاشته که

^۹ اطلاعات ارائه شده وصاف در خصوص ایالت فارس به ویژه در دو تحقیق زیر به خوبی مورد تحلیل قرار گرفته است:

A.K.S. Lambton, "Mongol fiscal administration in Persia", *Studia Islamica*, 54, (1986), p. 79-96; 55, (1987), p. 97-123; Ryoko Watabe, "The Local Administration of the Ilkhanid Dynasty: A Case of Fars", *Annals of Japan Association for Middle East Studies*, 12, (Tokyo, 1997), p. 185-216.

^{۱۰} محمدتقی بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱.

^{۱۱} احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۲، (تهران، ۱۳۷۵)، ص ۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۱، Storey/ Bregel, II, p. 774.

^{۱۲} نک. احمد منزوی، فهرستواره، ج ۲، ص ۹۱۹-۹۲۰.

^{۱۳} نک. احمد منزوی، فهرستواره، ج ۲، ص ۹۲۰.

^{۱۴} این اثر را ابوالفضل محمد دفتری، پسر ادیس بدلیسی، خلاصه و به ترکی ترجمه کرده است. این ترجمه را امیری افندی تازمان مرگ تیمور (۸۰۷ ه.) ادامه داده است. در این خصوص تحقیقات نظمی زاده حسین مرتضی افندی بغدادی (د. ۱۱۳۴ ه.)، از علمای قرن هجدهم میلادی، قابل توجه است. تحقیقات نظمی زاده درباره تاریخ و صاف بدین قرار است: ۱. لغات مشکلات و صاف (شرح لغات تاریخ و صاف) فرهنگی است مشتمل بر شرح اصطلاحات عربی و فارسی که در ۱۱۱۸ ه. نوشته شده است (برای نسخه‌های آن نک: اسعد افندی، ش ۳۳۲۷، حمیدیه، ش ۱۳۹۶ و ۱۱۶۲؛ رئیس‌الکتاب، ش ۱۱۱۴؛ لالا اسماعیل، ش ۵۲۶؛ کتابخانه دانشگاه استانبول، تالار نسخه‌های خطی، ش ۱۵۳۰، ۱۰۴۷، ۹۵۸۸). ۲. شرح تاریخ و صاف شامل ترجمه عبارات و منظومه‌های مشکل اثر، و توضیح اسامی جاها و اشخاص (برای نسخه‌های آن نک: فاتح، ش ۴۴۰۹، عاطف افندی، ش ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، نور عثمانیه، ش ۳۳۷۶؛ کتابخانه دانشگاه استانبول، تالار نسخه‌های خطی، ش ۳۳۶۸). ۳. برای ترجمه تاریخ و صاف، ولی‌الدین افندی، ش ۲۴۰۸۱، ذیل نظمی زاده، (p. 270 Storey, II, 2)، همچنین، شرح‌های ترکی ملّا نائی احمد افندی (میرزا زاده، د. ۱۱۶۱ ه.) نیز قابل توجه است: ۱. شرح لغات ریخ و صاف (کتابخانه سلیمانیه، لالا اسماعیل، ش ۵۴۷۲). ۲. مالایند لاریب من المشهور و الغریب (Storey/ Bregel, II, p. 774) برای دیگر شرح‌های تاریخ و صاف، نک.

F. Edhem Karatay, *Topkapı Sarayı Müzesi Kütüphanesi Türkçe Yazınlar Katalogu*, I, İstanbul 1961, p. 198-199; Storey/ Bregel, II, p. 773; E. Merçil, "Vassâf", *İA*, XIII, p. 233.

^{۱۵} این اثر به صورت چاپ سنگی در ۱۲۴۱ و ۱۲۶۹ ه. در بمبئی منتشر شده است. بعدها جلد اول این اثر را ژوزف فون هامر - پورگشتال به آلمانی



۲. نسخه مؤلف «تاریخ و صاف»

لبه برگردان، جدول دار، با شیرازه، پشت جلد بسیار فرسوده. ظاهراً صفحه نخست نسخه مفقود شده است. همچنین به نظر می‌رسد بین صفحات ۱۸۵-۱۸۶ دو برگ افتاده است که بعدها به حاشیه ضمیمه شده است. هنگام صحافی برخی از حواشی اطراف صفحات بریده شده و غیر قابل خواندن گردیده است (برگ ۱۱ الف، ۱۸۴ الف، ۱۹۴ ب، ۲۱۸ الف، ۲۵۳ الف، ۲۶۳ ب). شماره صفحات بعدها بر روی صفحات اضافه شده است (در گوشه بالای چپ صفحات ۱-۲۰۱ برخی از شماره‌های اصلی صفحات مشاهده می‌شود). همچنین اثر مهری سیاه و مستطیل شکل با خط کوفی (سُپاین) و نیز اثر دو مهر کوچک (برگ ۲ الف و ۲۲۶ الف) و بزرگ (برگ ۲ الف) به شکل دایره بر روی اثر مشاهده می‌شود که پاک شده است. در سمت راست صفحه عنوان نسخه، فهرست عنوان مطالب اثر با شماره صفحات آنها تحت عنوان: «فهرست المجلد الرابع من الوصاف» آمده است. از عبارت «برسم رسمی فی ۲۵ ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ [۱]» که در اینجا آمده می‌توان تاریخ تنظیم فهرست یاد شده را دریافت. این تاریخ به زمانی پس از تأسیس کتابخانه نور عثمانیه مربوط است.^{۱۱} در طرف روی

الف- توضیح درباره نسخه: جلد چهارم نسخه مؤلف تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار در کتابخانه نور عثمانیه (در استانبول) نگهداری می‌شود.^{۱۶} معرفی این نسخه نخستین بار در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۲ م. در یک سلسله مقالات معرفی کتاب تحت عنوان: "Les manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stamboul" به قلم فلیکس تاتور (Felix Tauer)، محقق اهل چک، که در دهه سوم قرن بیستم میلادی مشغول تحقیق در کتابخانه‌های استانبول بود، صورت گرفت.^{۱۷} پس از او، استوری^{۱۸} (C. A. Storey)، برگل^{۱۹} (Y. E. Bregel)، و منزوی^{۲۰} نیز، با استناد به گزارش تاتور، در آثار خود از نسخه تاریخ و صاف در کتابخانه نور عثمانیه یاد کرده‌اند.

این نسخه خطی جلد چهارم اثر و مجموعاً دارای ۳۱۰ برگ است که ظاهراً چند برگ از آخر آن ناقص است. توصیف این نسخه به صورت زیر است:
اندازه جلد: ۳۳۵×۲۴۵ میلی متر، اندازه نوشته: ۲۵۵×۱۷۵ میلی متر، ۱۷ سطر، خط درشت تعلیق و با فاصله. عنوان و جداول مذهب. جلد تمام چرم، به رنگ قهوه‌ای روشن،

ترجمه و منتشر کرد: *Geschichte Wassaf's. Persisch herausgegeben und deutsch Übersetzt*, (Wien, 1856). چهار جلد چاپ نشده این تحقیق امروزه در کتابخانه مدرسه عالی علوم اتریش موجود است. نک: ک. یان «ترجمه تاریخ و صاف»، راهنمای کتاب، ج ۱۸، (۱۳۵۴)، ص ۱۷۱. تاریخ و صاف بار دیگر از روی نسخه چاپ بمبئی در تبریز و تهران منتشر شده است: ۱۲۷۲، ۱۲۹۱، ۱۳۰۳، ۱۳۱۴، ۱۳۳۸ (F.E. Karatay, *Istanbul Üniversitesi Kütüphanesi Farsça Basmalar Kataloğu*, (İstanbul, 1949), p. 1-2; Storey/Bregel, II, p. 773) سرانجام نیز عبدالمحمدآیتی این اثر را از روی چاپ بمبئی (۱۲۶۹ هـ.) خلاصه نمود: تحریر تاریخ و صاف، تهران ۱۳۴۶ (ج ۲، ۱۳۷۲). پایان نامه دکتری زیر نیز که درباره این اثر و در دانشگاه تهران نوشته شده حائز اهمیت است: محمد شهری پورآبادی، «فرهنگ لغات و اصطلاحات و اعلام و تحلیل مشکلات تاریخ و صاف»، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان نامه دکتری، تهران، ۱۳۷۴، ۱۱۰۷ ص. همچنین، ه. م. الیوت (H. M. Elliot) و ج. دوسون (J. Dowson) قسمت‌های مربوط به هندوستان را در تاریخ و صاف به انگلیسی ترجمه کرده‌اند: *The History of India*, III, Dehli, 1930, p. 27-54 قسمت‌های مربوط به اردوی زرین را در تاریخ و صاف نیز و ج. تیزن گاوزن (V. G. Tizengauzen) منتشر کرده است:

Sbornik materialov othoşyasihysya k istorii Zolotoy Ordı, II, izvlečeniya iz persidskih sočineniy, yay. A.A. Romaskevi ç S.L. Volin, (Moskva- Leningrad, 1941), p. 80-89.

اطلاعات مربوط به جغتایان را راسل ج. کینرز (Russell G. Kempiners) مورد بررسی قرار داده است:

"Vassaf's tazziyat al-amsar Wa tazziyat al-a'sar as a source for the history of the Chaghadayid Khanate", *Journal of Asian History*, XXII, (1988), p. 160-187.

^{۱۶} تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار، کتابخانه نور عثمانیه، ش ۳۲۰۷. میکروفیلم این نسخه خطی در کتابخانه سلیمانیه و میکروفیلم دیگری از آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۲۸۱۹) موجود است نک. محمدتقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، (تهران، ۱۳۴۸)، ص ۴۱.

^{۱۷} "Les manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stamboul, III. Histoire de l'Iran et de la Transoxiane, *Archiv Orientalni*, (1931), p. 467, No. 326;

فلیکس تاتور، ۵۵۵ نسخه فارسی تاریخ در کتابخانه‌های استانبول، ترجمه فارسی ایرج افشار، نامه بهارستان، س اول، (تهران، ۱۳۷۹)، ش ۱، ص ۹۳-۹۴، ش ۳۲۱.

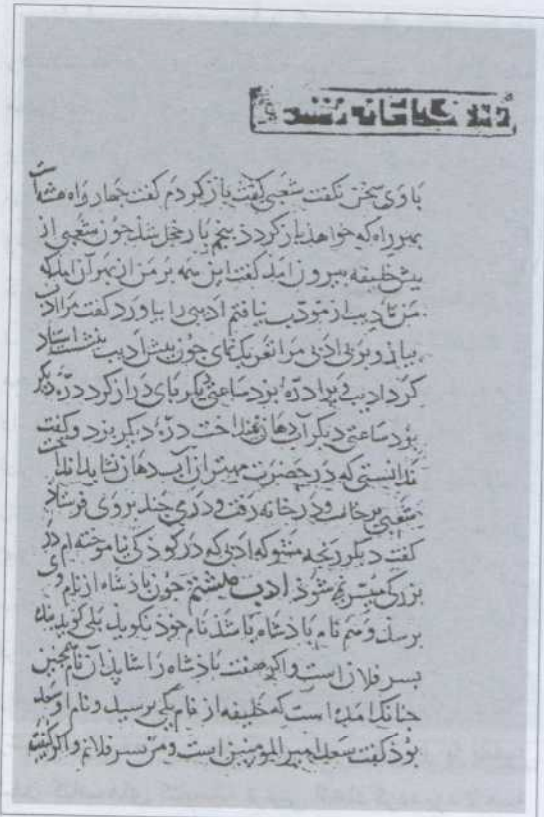
^{۱۸} نک. C. A. Storey, I, p. 267.

^{۱۹} نک. Storey/Bregel, II, p. 769.

^{۲۰} فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، (تهران، ۱۳۵۳)، ص ۴۲۸۰، ش ۴۴۱۹۶.

^{۲۱} کتابخانه نور عثمانیه را عثمان سوم (حک. ۱۷۵۴-۱۷۵۷ م.)، پادشاه عثمانی، در آوریل ۱۷۵۵ م. / ربیع الاول / ۱۱۶۹ هـ. تأسیس کرد. ظاهراً در زمان تأسیس این کتابخانه مجموعاً ۵۰۳۱ جلد کتاب در آن موجود بوده است. (نک.)

İsmail Erünsal, *Türk Kütüphaneleri Tarihi, II, Kuruluşundan Tanzimat'a Kadar Osmanlı Vakıf Kütüphaneleri*, (Ankara, 1991), p. 10.



تصویر ۱: مهر کتابخانه ربع رشیدی رشیدالدین فضل‌الله همدانی. «لطایف الحکمه»، مورخ ۶۸۴ هـ. (کتابخانه ملی پاریس، ۱۲۱).

با احتیاط گفته بود که به کتابخانه ربع رشیدی تعلق دارد.^{۲۴} ف. ریشارد، به دلیل استناد به تنها یک نمونه نتوانسته بود با اطمینان مهر مزبور را با نقش «وقف کتابخانه رشید» متعلق به کتابخانه ربع رشیدی بداند.^{۲۵} امروزه با مشاهده نمونه‌ای دیگر از مهر «وقف کتابخانه رشیدی» بر روی نسخه تاریخ و صاف موجود در کتابخانه نور عثمانیه همه تردیدها در این مورد منتفی است.^{۲۶}

برگ نخست (برگ ۱ الف) نیز عبارت: «المجلد الرابع بخط مصنفه - رحمة الله عليه - معلوم می‌کند که این اثر با خط خود مؤلف نوشته شده است. با توجه به طرز نگارش معلوم می‌شود که فهرست و عبارت یاد شده را یک نفر نوشته است. در زیر عبارت یاد شده شماره ثبتی کتابخانه (۳۲۰۷) و مهر کتابخانه قید شده است. همچنین در قسمت وسط طرف روی صفحه عنوان یادداشت و وقف این نسخه به کتابخانه از سوی پادشاه عثمانی، یعنی عثمان سوم (حک: ۱۱۶۸ - ۱۱۷۱ هـ.) مشاهده می‌شود: «وقف اکرم السلاطین من طبقات الملوک ... السلطان بن السلطان بن سلطان، ابوالمحاسن سلطان عثمان ابن سلطان مصطفی خان بن ...»^{۲۲}

در داخل جلد این اثر یک سرلوحه وجود دارد. اثر تماماً با حروف درشت و بسیار واضح [و خوانا] نوشته شده است. در نوشتن کلمات عموماً گذاشتن نقطه‌ها نادیده گرفته شده است.

در ده برگ از اثر (همگی در طرف راست کتاب: برگ ۴ب، ۸ب، ۴۹ب، ۱۰۲ب، ۱۷۵ب، ۲۱۸ب، ۲۷۷ب، ۲۹۹ب، ۳۰۷ب، ۳۰۹ب) اثر مهری مستطیلی شکل به چشم می‌خورد. در این مهر، با ابعاد ۱۳×۷۴ میلی‌متر، که به صورت طولی بر صفحات نقش بسته است نوشته‌ای به خط کوفی دیده می‌شود.

با یک بررسی دقیق مشخص می‌شود که این مهر عین مهر کوفی* با ابعاد ۱۳×۷۴ میلی‌متر بر روی نسخه‌ای از لطائف الحکمة اثر قاضی سراج‌الدین محمود بن ابوبکر آذربایجانی موجود در کتابخانه ملی پاریس (Persan 121) است که پیش‌تر فرانسویس ریشارد (F. Richard) درباره آن

۱۰

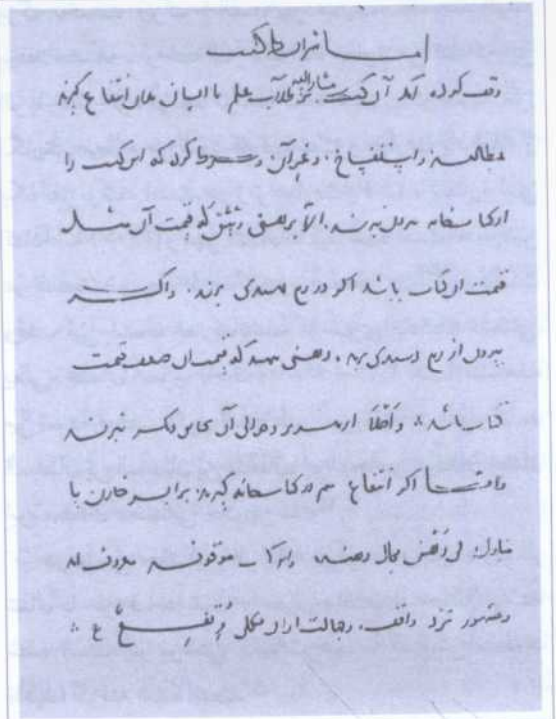
^{۲۲} این عبارت در تمام کتاب‌های وقفی عثمان سوم، بانی مسجد و کتابخانه نور عثمانیه، در کتابخانه یاد شده مشاهده می‌شود.
^{۲۳} برای اطلاعات بیشتر درباره کتابخانه ربع رشیدی نک: رشیدالدین فضل‌الله، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، (تهران، ۱۳۵۸)، ص ۷۷-۷۹ (پیشگفتار ناشر)؛

Rashiduddin Fazlullah, *Jami' u't-tawarikh, Compendium of Chronicles, A History of the Mongols*, translated and annotated W. M. Thackston, I, Harvard 1998, p. IX-XIV; Osman G. Özgüdenli, "Bir İlhanlı Şehir Modeli: Rab'-i Reşid'i'de Meslekler, Görevliler Ve Ücretler", *Esnaf ve Ekonomi*, I, İstanbul 2003, p. 174, 177.

^{۲۴} ف. ریشارد، «مهر کتابخانه رشیدالدین فضل‌الله همدانی»، آینده، ج ۸، ش ۶، (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۳۴۳-۳۴۶. نیز نک. ایرج افشار، «مالکیت و خرید و فروخت نسخه خطی در گذشته»، نامه بهارستان، س ۱، (۱۳۷۹)، ش ۲، ص ۵۰.

^{۲۵} ف. ریشارد نوشته روی مهر را به صورت «ملک کتابخانه رشید» خوانده است (ص ۳۴۳). ایرج افشار در حاشیه همان مقاله بیان نموده است که خودش و محمدتقی دانش‌پژوه اولین کلمه روی مهر را به صورت «وقف» خوانده‌اند (نک. ص ۳۴۳). ما نیز با آن موافق هستیم. به علاوه، معتقدیم که سومین کلمه نیز به جای «رشید» باید به صورت «رشیدی» خوانده شود: «وقف کتابخانه رشیدی».

^{۲۶} بنابر نظر ف. ریشارد اثبات تعلق مهر یاد شده به ربع رشیدی برای تحقیق درباره تاریخ مهرهای اسلامی و ایرانی و تاریخ کتابداری بسیار حائز اهمیت است.



تصویر ۲: برجی از وقف نامه ربع رشیدی، به خط رشیدالدین فضل الله همدانی. (مقت ۷۱۸ ق.)

کند صورت گرفته است. ۳۲ و آشکار است که در زمان آغاز تألیف جلد چهارم، غازان خان فوت کرده بوده است. ۳۳ زیرا جلد چهارم با مدح سلطان اولجایتو، که ظاهراً به تازگی

بنابراین چنین برمی آید که نسخه مؤلف تاریخ و صاف موجود در کتابخانه نورعثمانیه به کتابخانه مجموعه بزرگ ربع رشیدی^{۲۷}، که رشیدالدین فضل الله، وزیر ایلخانی، در حوالی تبریز تأسیس کرده بود، وقف شده بود و مدتی در آنجا نگهداری می شد. در ربع رشیدی مجموعاً دو کتابخانه وجود داشته که یکی کتابخانه عمومی (بیت الکتب)، در نزدیکی خانه متولی، و دیگری کتابخانه آموزشی / تدریسی (دارالکتب)، در محلی که در آن درس مدرسه ای تدریس می شده قرار داشته است.^{۲۸} کتابخانه عمومی (بیت الکتب) از لحاظ اداری مستقیماً زیر نظر متولی بود.^{۲۹} متولی و مشرف و ناظر هر یک نسخه ای از فهرست عناوین کتاب های کتابخانه را در اختیار داشتند. کتاب هادر مقابل ودیعه ای^{۳۰} معادل قیمت آنها برای مدت یک ماه در اختیار اشخاص قرار می گرفت. نسخه های خطی بسیاری از آثار رشیدالدین فضل الله نیز در این کتابخانه موجود بود.^{۳۱} رشیدالدین به منظور جلوگیری از سرقت و یا مفقود شدن کتاب های کتابخانه ترتیبی اتخاذ کرده بود تا همه کتاب ها به مهری که خود تهیه کرده بود مهور شوند.^{۳۲} چنین برمی آید که تألیف چهارمین جلد تاریخ و صاف بین سال های ۷۰۳ - ۷۱۱ ه. در مدت هشت سال و بسیار



^{۲۷} برای ربع رشیدی نک.

D. Wilber - M. Minovi, "Notes on the Rab'-i Rashidi", *Bulletin of the American Institute for Iranian. Art and Archaeology*, V (1938), p. 247-259.

احمد عرفان، «بزرگ ترین بنیاد خیر در ایران»، یادنامه دینشاه ایرانی، (ممنی، ۱۹۴۳)، ص ۲۰-۳۱؛ حاج حسین نخجوانی، «ربع رشیدی»، چهل مقاله، نشر یوسف خادم هاشمی نسب، (تبریز، ۱۳۴۳)، ص ۱۱-۲۴؛ محمدجواد مشکور، «ربع رشیدی»، هنر و مردم، ۸۴، (تهران، ۱۳۴۸)، ص ۳۲-۴۲؛ مجید رهنما، «رشیدالدین و ربع رشیدی»، مجموعه خطابه های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل الله همدانی، (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۱۱۰-۱۲۲؛ غلامرضا سلیم، «تعلیم و تربیت در ربع رشیدی»، ص ۱۶۷-۱۸۲؛ منوچهر مرتضوی، «تبریز در روزگار خواجه رشیدالدین»، ص ۲۶۲-۲۷۶؛ عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، (تهران، ۱۳۵۱)، ص ۱۶۲-۱۶۹.

B. Fagner, "Zu einem Autograph des Mongolenvesirs Rašīd ad-Dīn Fazlall āh, der Stiftungsurkunde für das Tebrizer Gelehrtenviertel Rab'-i Rašīdī", *Festgabe deutscher Iranisten zur 2500 Jahrfeier Irans*, Stuttgart 1971, p. 35 - 46; Sheila S. Blair, "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab'i Rashidi", *Iran*, 22 (1984), 67-90;

محمد مهدی بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، (مشهد، ۱۳۶۵)؛ مصطفی مؤمنی، «جغرافیای جهان بینی و وقفنامه رشیدی»، وقف میراث جاویدان، س ۱، ش ۳، (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۳۰-۳۷؛ همان، «شهرستان رشیدی»، میراث جاویدان، ج ۱، ش ۴، (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۵۲-۵۹؛ سیدحسین امیدیانی، «ربع رشیدی، مجموعه بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز قرن هشتم هجری»، وقف میراث جاویدان، ج ۷، ش ۲۸، (تهران، ۱۳۷۸)، ص ۷۱-۷۵؛ Osman G. Özgüdenli, "Bir İlhanlı Şehir Modeli: Rab-i Res'î'de Meslekler, G örevliler ve Ücretler", *Esnaf ve Ekonomi*, I, İstanbul 2003, p. 164-189.

^{۲۸} رشیدالدین فضل الله، وقف نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۱۳۱، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۷۶، ۲۲۵.

^{۲۹} همانجا، ص ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۵۰.

^{۳۰} همانجا، ص ۲۳۸.

^{۳۱} همانجا، ص ۱۹۸. در مکاتبات رشیدالدین آمده است که در دو کتابخانه ربع رشیدی تقریباً شصت هزار کتاب مربوط به علوم مختلف موجود بوده است (رشیدالدین، سوانح الافکار رشیدی، ص ۲۱۴).

^{۳۲} با توجه به اینکه جلد چهارم تاریخ و صاف، تقریباً در هشت سال، تألیف شده است، مؤلف در هر ماه، به صورت میانگین، کمی بیش از سه صفحه تألیف کرده است. همچنین با در نظر گرفتن اینکه تألیف جلد پنجم اثر در ۷۱۱ ه. آغاز، و کمی پیش از مرگ مؤلف، یعنی در ۷۲۸ ه. تمام شده است، به وضوح معلوم می شود که مؤلف در تألیف این اثر تا چه اندازه کند کار کرده است.

^{۳۳} غازان خان در ۱۱ شوال ۷۰۳ ه. در نزدیکی قزوین وفات کرد و جانشین او، اولجایتو، در ۱۵ ذیحجه ۷۰۳ ه. در طی مراسم باشکوهی بر تخت حکمرانی نشست، نک. Osman G. Özgüdenli, *Gâzân Hân ve Reformları*, (694-703), M. Ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dr. Tezi, (İstanbul, 2000), p. 289-291.



تصویر ۳: مهر پاک شده، مورخ ۷۱۱ هـ. «تاریخ و صفا» (نور عثمانیه، ۳۲۰۷).

بعدها پاک شده‌اند و متأسفانه قابل خواندن نیستند. اگر خواندن این مهرها، که احتمالاً به قرن هشتم تا یازدهم تعلق دارند، امکان‌پذیر می‌شود، شاید می‌توانستیم درباره تاریخچه نقل و انتقال این نسخه، بین زمانی که در ربع رشیدی نگهداری می‌شده تا زمانی که به کتابخانه نور عثمانیه رسیده است، اطلاعاتی به دست آوریم.

ب- تفاوت نسخه‌ها: نسخه مؤلف جلد چهارم تاریخ و صفا در کتابخانه نور عثمانیه شامل ۶۴ عنوان موضوعی است. در دو جای مختلف این نسخه چند برگ از آن مفقود شده است. بعدها شخص دیگری در این مورد یادداشتی نوشته و برخی از قسمت‌های مفقود شده را در حاشیه آورده است.^{۳۰} (برگ ۱۶ الف)

جلوس کرده بود، آغاز می‌شود: «الشرح غیاب الدنيا والدين الغ خان اعظم [حاشیه: خدای بنده محمد] اولجایتو سلطان ضل الله فی الارض».^{۳۴} همچنین معلوم می‌شود که تقریباً سه سال بعد، یعنی در ۷۰۷ هـ. تقریباً یک سوم جلد چهارم تألیف شده بوده، زیرا مؤلف در برگ ۹۲ اثر به زمان خود اشاره کرده است: «... امروز که شهور ۷۰۷ است...».^{۳۵} از عبارتی در برگ ۲۵۰ الف بر می‌آید که این اثر در اواخر شعبان ۷۱۱ هـ. تمام شده است.^{۳۶} بدینسان، و با در نظر گرفتن اینکه اثر در ۲۴ محرم ۷۱۲ هـ. در شهر سلطانیه به سلطان اولجایتو تقدیم شده است^{۳۷}، می‌توان گفت که تصحیحات نهایی انجام شده بر روی اثر در رمضان و ذیحجه ۷۱۱ هـ. صورت گرفته است.

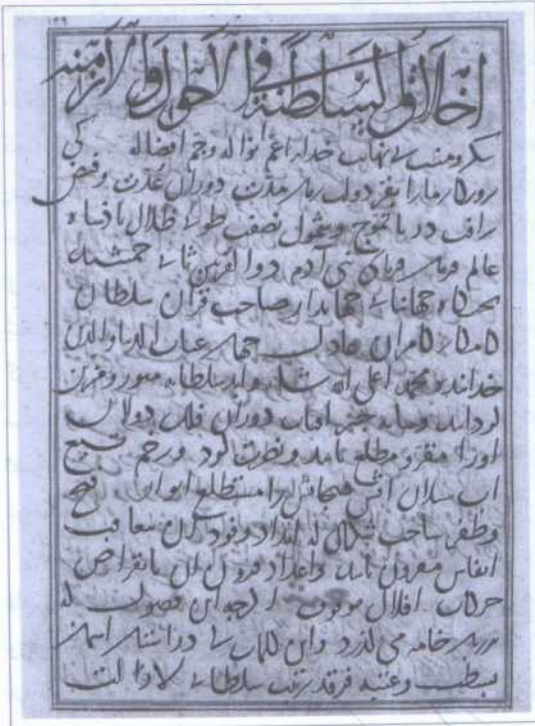
همچنین، عقیده ما بر این است که این نسخه خطی در فاصله بین تاریخ اتمام تألیف آن در رمضان و ذیحجه ۷۱۱ هـ. و تاریخ قتل رشیدالدین فضل‌الله در ۱۷ جمادی الاول ۷۱۸ هـ.^{۳۸} می‌بایست در کتابخانه ربع رشیدی نگهداری شده باشد، زیرا پس از قتل رشیدالدین، سر بریده او را در کوجه‌های شهر گرداندند، اموالش را مصادره کردند و مجموعه بزرگ ربع رشیدی را نیز تخریب نمودند.^{۳۹} و می‌توان حدس زد که احتمالاً در همان اثنا نسخه خطی مؤلف تاریخ و صفا نیز به یغما برده شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که مؤلف پس از اتمام تألیف این جلد از اثر، احتمالاً نسخه بسیار خوبی از آن را به سلطان اولجایتو تقدیم کرده و نسخه خود را به عنوان یادبود به رشیدالدین اهدا نموده است که نسخه پس از مدتی نگهداری در ربع رشیدی به مهر کتابخانه آنجا مهور شده است.

به جز مهر کتابخانه ربع رشیدی، اثر پاک شده دو مهر* دایره‌ای شکل دیگر نیز بر روی اثر مشاهده می‌شود که قطر مهر موجود در برگ ۲ الف و ۲۲۶ الف، ۲۱ میلی‌متر، و قطر مهر دیگر در برگ ۲ الف، ۳۴ میلی‌متر است. این مهرها

ت

ت

۳۳ و صفا/نور عثمانیه، برگ ۳ ب.
 ۳۴ و صفا/نور عثمانیه، برگ ۲۵۰ الف.
 ۳۵ و صفا/بمبئی، ص ۵۴۴-۵۵۱ و صفا/تحریر، ص ۲۸۰-۲۸۶.
 ۳۸ رشیدالدین فضل‌الله در ۷۱۷ هـ. از مقام عزل شد، سپس با اتهام اقدام به مسموم کردن سلطان اولجایتو محاکمه گردید و محکوم و کشته شد. نک. Z.V. Togan, "Raşid ad-Din Tabîb", *IA*, IX, p. 707.
 ۳۹ حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، چاپ خانبابایی، (تهران، ۱۳۱۷)، ص ۷۹. در این تاریخ املاک مجموعه مصادره و موقوفه‌های آن غیرمعتبر اعلام شدند. به گفته حافظ ابرو، پس از کشته شدن رشیدالدین، املاک وی به «دیوان» منتقل و موقوفات وی پس گرفته شد. نک. ذیل جامع التواریخ، ص ۷۹-۸۰. هرچند در دوران وزارت پسر رشیدالدین، یعنی غیاب‌الدین محمد، (حک. ۷۲۷-۷۳۶ هـ.) تلاشی برای فعال کردن مجدد ربع رشیدی صورت گرفت، پس از قتل وی در ۷۳۶ هـ.، این مجموعه دوباره غارت و تخریب شد. نک. حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص ۱۵۱.
 ۴۰ «دو برگ از این مجلد رساله تاریخیه ساقط است» (وصفا/نور عثمانیه، برگ ۱۵ ب). در جایی دیگر، این بار یادداشتی به زبان فارسی در این مورد نوشته شده است: «از اینجا پنج و شش ورق ناقص است یعنی مقاله صفت عرض کتاب و مقاله گوی و چوگان و تمة احوال مصر ساقط است (رسمی)». نک. و صفا/نور عثمانیه، برگ ۲۴۹ ب.



تصویر ۲: نسخه «تاریخ و صاف» به خط مؤلف. برگ ۱۲۹ الف.

دادن به متن، نیز به کار بردن عناوین و اصطلاحات ترکی و مغولی بسیار، بنابر سبک متداول آن زمان، به علاوه کمبود اطلاعات و دقت و تجربه نسخه نویسان بعدی این اثر، همگی موجب بروز خطاهای بسیار در نسخه های این اثر شده است. نسخه موجود در کتابخانه نور عثمانیه به دلیل اینکه نسخه اصل و به خط مؤلف است از لحاظ برطرف کردن اشکالات و نواقص و خطاهای موجود در نسخه های دیگر این اثر بسیار حائز اهمیت است. از این لحاظ، باقی ماندن فقط جلد چهارم نسخه مؤلف را باید یک بد اقبالی تلقی کرد.

علاوه بر اینها، مهم ترین ویژگی نسخه مؤلف این است که صورت صحیح نوشتاری اسامی و عناوین به کار رفته

بخش «اخلاق السلطنة»* (برگ ۱۴۹ الف - ۱۷۵ ب) در این نسخه شامل «تحفه»ی مؤلف به سلطان اولجایتو است.^{۲۱} به نظر می رسد که این بخش کوتاه عین سیاست نامه رساله اخلاق السلطنة باشد که در مورد تعلق آن به مؤلف تردید هست.^{۲۲}

برخی عناوین موضوعات در نسخه مؤلف، در نسخه چاپ بمبئی موجود نیست. به جز این، تفاوت هایی در عناوین موضوعات و یا خود متن نیز مشاهده می شود:

وصاف/ بمبئی، ص ۴۰۹: «... پس جامع امراء سوتای و آغولوتای غولدار با لشکر مصاحب مدد قتلغ شاه نوئین را روان کرد و رایت فیروز اختر روز شعبان اینسال براه موصل و سنجار مراجعت نمود و از اطراف سلطان مصر...».

وصاف/ نور عثمانیه، برگ ۲۲ الف: «... پس جامع امراء سوتای و آغو و ناغولدار با لشکر مصاحب بمدد قتلغ شاه نوئین را روان فرمود و رایت فیروز اختر روزی ... [جای خالی گذاشته شده است تا احتمالاً بعدها نوشته شود] شعبان براه موصل و سنجار مراجعت کرد [در حاشیه: فتح نامه رجه] و از آن طرف سلطان مصر...».

بررسی دقیق نشان می دهد که بین نسخه مؤلف و نسخه چاپ بمبئی تفاوت های مهمی وجود دارد. از سوی دیگر آشکار است که مؤلف پس از اتمام اثر، یک بار دیگر آن را تصحیح کرده و تغییراتی را در آن ایجاد نموده است. به نظر می رسد که بهترین زمان برای چنین تصحیحی احتمالاً پس از اتمام جلد پنجم اثر در ۷۲۸ هـ/ ۱۳۲۸ م. بوده باشد.

ج- اهمیت نسخه مؤلف: نسخه های بسیاری از تاریخ و صاف تا امروز باقی مانده است.^{۲۳} اما هیچ یک از نسخه های این اثر مربوط به زمان پیش از وفات مؤلف نیست.^{۲۴} شیوه نگارش بسیار دشوار و مصنوع، استفاده از آیات، حکایات و شعرهای عربی بسیار برای ساز و برگ

^{۲۱} وصاف/ نور عثمانیه، برگ ۱۴۱ الف.

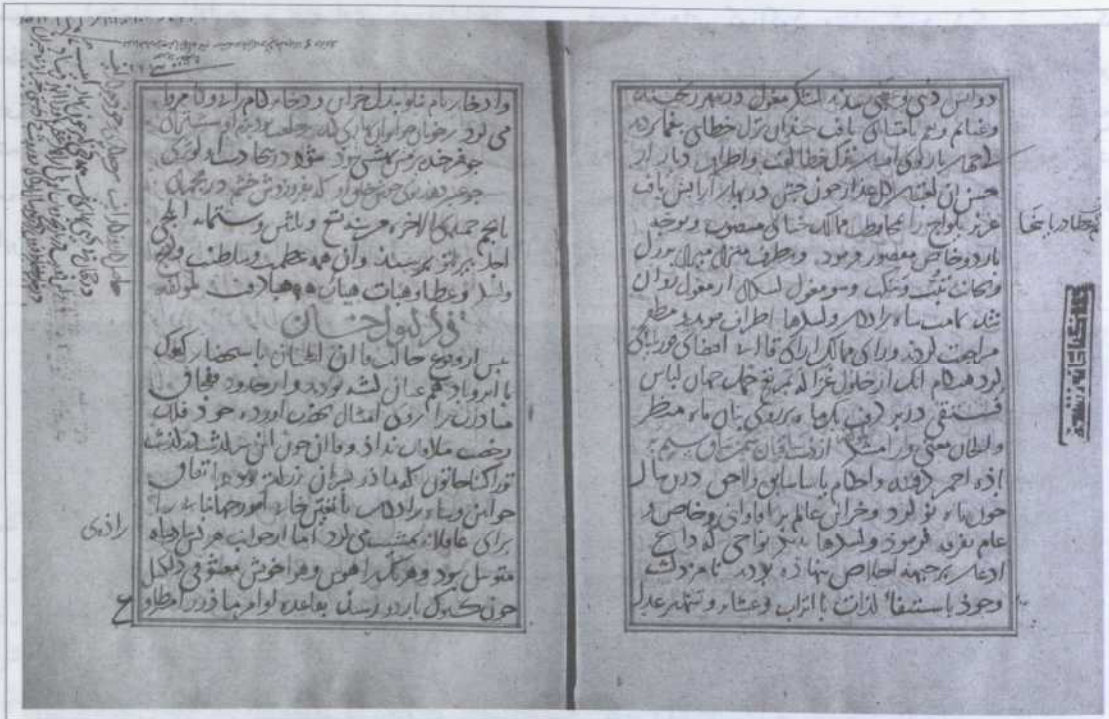
^{۲۲} سه نسخه از این سیاست نامه، که مؤلف آن مجهول است، در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می شود. نک. E. Merçil, "Vassâf", *IA*, XIII, p. 233. این اثر دوبار به زبان ترکی عثمانی ترجمه شده است، یک بار در زمان مراد آقا چهارم، به قلم نرگسی محمد افندی (د: ۱۶۳۵ م.) تحت عنوان قانون الزشاد، و بار دیگر در زمان سلطان عبدالعزیز به قلم قوللی حسین کاظم تحت عنوان رساله سنجیه. برای نسخه های آن نک. Agâh Sirri Levend, "Siyasetnâmeler", *TDAY Belleten* 1962, Ankara 1963, p. 183, n. 53; E. Merçil, "Vassâf", *IA*, XIII, p. 233.

^{۲۳} برای نسخه های متفاوت این اثر که صدها نسخه از آن موجود است، نک.

Felix Tauer, "Les manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stamboul, III. Histoire de L'Irân et de la Transoxiane", *Archiv Orientalni*, III, (1931), p. 467-473, no 326-381; Storey, I/1, p. 268-269; Storey/ Bregel, II, p. 769-772;

احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۶ (تهران، ۱۳۵۳)، ص ۴۲۸۰-۴۲۸۶، ش ۴۴۱۹۶-۴۴۳۰۷؛ همو، فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۲، (تهران، ۱۳۷۵)، ص ۹۱۸-۹۱۹.

^{۲۴} پس از نسخه نور عثمانیه، قدیم ترین نسخه اثر در کتابخانه های استانبول، نسخه ایاصوفیه (ش ۳۱۰۹) است که در ۲۳ صفر ۷۳۸ هـ. نصرالله بن احمد الکاتب الحلوی کتابت کرده است و شامل جلد اول و دوم اثر می شود. نک. Felix Tauer, "Les manuscrits persans historiques", p. 327.



تصویر ۵: نسخه «تاریخ و صفای» به خط مؤلف، با حواشی و مهر «وقف کتابخانه رشیدی»، برگ ۲۷۸ ر.

در آن رازانه می‌دهد. تفاوت در صورت نوشتاری اسامی، عناوین و اصطلاحات ترکی و مغولی که مؤلفان و نسخه‌نویسان در منابع مربوط به قرون وسطی در ایران به کار برده‌اند مشکلی پیش روی محققان تاریخ ایران در زمان معاصر قرار می‌دهد که می‌بایست حل گردد. ۴۵ به دست آوردن املا و تلفظ صحیح بسیاری از اسامی و عناوین خاص و یا نام‌های ترکی و مغولی مکان‌های مربوط به دوره ایلخانان بسیار دشوار است. نسخه مؤلف منابع دوره ایلخانی از قبیل جوینی، رشیدالدین فضل‌الله، عبدالله کاشانی، حمدالله مستوفی قزوینی، بناکتی و شبانکاره‌ای امروزه موجود نیست. بنابراین با استفاده از نسخه مؤلف تاریخ و صفای دست‌یابی به املا و تلفظ صحیح بسیاری از اسامی خاص، عناوین و اصطلاحات نظامی و اداری ترکی و مغولی، که نسخه‌نویسان به دلایل مختلف ننوشته‌اند و یا غلط نوشته‌اند، امکان‌پذیر می‌شود. از این لحاظ، نسخه نور عثمانیه برای تحقیقات مربوط به تاریخ ایران و نیز تحقیقات مغولی امکان دست‌یابی به املا صحیح اسامی به‌ویژه عناوین و اصطلاحات نظامی و اداری ترکی و مغولی را فراهم می‌آورد. ۴۶

به‌جز اینها، حواشی * نسخه مؤلف تاریخ و صفای که ظاهراً به‌قلم خود مؤلف است نیز بسیار ارزشمند است. در این حواشی، گاهی مطالبی به متن افزوده شده، گاهی نیز تغییراتی مربوط به تزئینات داخل متن ایجاد شده است. به‌جز آنچه مؤلف به متن افزوده است، توضیحات عربی در برخی صفحات نیز جلب توجه می‌کند. ظاهراً این توضیحات را بعدها شخص دیگری به متن اضافه کرده است. این اثر در کنار همه ویژگی‌های یاد شده آن به سبب احتوا بر انواع مختلف سیاق قرن هشتم هجری به قلم یک کاتب دیوانی دوره ایلخانی، از لحاظ تاریخ حساب و تاریخ هنر خطاطی، اهمیت بسیار دارد. علاوه بر اینها، نسخه نور عثمانیه، به عنوان نمونه‌ای از تاریخ‌نویسی و صفای، به تاریخ‌نگاران ادبی و متخصصان زبان به وضوح نشان می‌دهد که مؤلف این اثر در نگارش اثری چنین دشوار و پیچیده و حاوی مطالب متنوع و مشکلات مربوط به زبان و شیوه املا چگونه توفیق یافته است. در نتیجه، نسخه مؤلف جلد چهارم تاریخ و صفای، موجود در کتابخانه نور عثمانیه، برای تحقیقات تاریخی،

45 Osman G. Özgüdenli, *Gâzân Hân ve Reformlari* (295/694-703/1304), p. VIII.

46 این اثر بسیاری از اسامی ترکی و مغولی اعراب‌گذاری شده است. نک. و صفای/نور عثمانیه، برگ ۶الف، ۸الف، ۲۲ ب، ۱۲۷ الف، ۱۹۴ ب، ۲۵۱ الف.

سیاسی، اجتماعی، اداری و اقتصادی دوره ایلخانی اطلاعات مهمی را در اختیار محققان قرار می دهد. بی توجهی محققان به این نسخه تاکنون، از لحاظ تحقیقات تاریخی دوره ایلخانی، بداقبالی بزرگی محسوب می شود. امید است که در آینده، چاپ افست این نسخه خطی پرارزش به همراه مقدمه ای مبسوط و

فهرست های گوناگون منتشر شود. شکی نیست که انتشار چنین اثری، تازمانی که یک اثر علمی و تحقیقی جامع حاوی تفاوت های نسخه های برجسته تاریخ وصاف ارائه شود، جای خالی بسیاری از کمبودها را در تحقیقات تاریخی مربوط به اقوام ترک، ایرانی و مغول در قرون وسطی پر خواهد کرد.



تصویر ۶: انجامة نسخه «تاریخ وصاف» به خط مؤلف، مورخ ۷۱۱ هـ. (نور عثمانیه، 3207)، برگ ۳۱۰ ب.